امهات المومنین

(همسران پیامبر)

از دیدگاه اهل سنت

محمد جمالزهی

أمهات المؤمنين

خَديجةُ بنتُ خُويلد
سودةُ بنتُ زَمعة
عائشةُ بنتُ أبي بَكر
حَفصةُ بنتُ عمر
زينبُ بنتُ خُزيمة
أمّ سَلمة هند

زينبُ بنتُ جَحش
جُويرية بنتُ الحَارث
صَفيةُ بنتُ حَييّ
أمْ حبيبةَ رَملة
مَيمونةُ بنتُ الحَارث
مَاريةُ بنتُ شَمعون

مؤلف

ألفت محمد عبدالكريم

ترجمه

محمد جمالزهی

روایت شده است، در ضمن دانش شعر و طب از دیگر هنرهای اوست.

در رمضان سال ۵۷ هجری در سن ۶۶ سالگی وفات کرد و در بقیع دفن شد.

حفصه بنت عمر رضي الله عنها

حضرت حفصه، پنج سال قبل از بعثت رسول خدا ﷺ متولد شد و از سابقین در اسلام است که همراه شوهرش خنیس بن حذافه سهمی مسلمان شد، و با او به حبشه هجرت کرد و بعد به مدینه هجرت کرد، شوهرش در جنگ بدر شرکت داشت و در غزوه احد بعد از جراحات شهید شد، و حفصه در ۲۱ سالگی بیوه شد، بعد از عدت، عمر به عثمان و سپس به ابوبکر پیشنهاد ازدواج با حفصه را دارد اما آنها قبول نکردند، حضرت عمر این اعراض را به نبی اکرم ﷺ شکایت کرد، آنحضرت ﷺ فرمود:

« حفـصه را شخـصی بهتـر از عثمـان ازدواج مـی کنـد، و عثمان شخصی بهتر از حفصه را از ازدواج می کند »

آنحــضرتﷺ او را خواســتگاری کــرد و ازدواج صورت گرفت. ابوبکرؓ عمر را بعد از ازدواج ملاقـات کـرد و فرمـود: از مـن نارحـت نبـاش رسـول خـداﷺ از حفصه یاد می کرد، من نخواستم سـر رسـول خـداﷺ را فاش کـنم، اگـر رسـول خـداﷺ از ایـن سـخن خـود بـر می گشت من او را ازدواج می کردم. (ابن سعد)

آنحضرت در شعبان سال سوم هجری بـا او ازدواج کـرد.

حضرت حفصه عابد و فروتن بود، شب ها را به قیـام و روزها را به روزه گرفتن سپری می کرد، بـه همـین خـاطر خداوند به او منت نهاد و او را از ازدواج نبی اکـرمﷺ در بهشت قرار داد حفصه ۶۰ حـدیث از رسـول خـدا روایـت کرده است. در جمادی الاول سال ۴۱ یا ۴۵ هجری وفـات کرد.

زینب بنت خزیمه رضی الله عنها

به ام المساکین مشهور است، بخاطر ترحم و شفقتی که نسبت به آنها داشت، به مساکین غذا و لباس می داد و نیاز آنها را برطرف می کرد و به امور آنها رسیدگی می نمود.

آنحضرت ﷺ سال سوم هجری او را ازدواج کرد (بعد از گذشت مدت کمی از ازدواج با حفصه)

چون شوهرش عبیده بن حارث بن عبدالمطلب پسرعموی آنحضرت در روز جنگ بدر شهید شد و زینب بی‌سرپرست ماند، آن حضرت ﷺ بر او ترحم کرد و کسی را برای خواستگاری فرستاد و با او ازدواج کرد، حضرت زینب خواهر ام المومنین میمونه بنت حارث (از جانب مادرش) بود، آنحضرت ﷺ بعد وفات او میمونه را ازدواج کرد. حضرت زینب تقریبا سه ماه در کنار رسول خدا ﷺ زندگی کرد و سپس وفات کرد در این هنگام

سی سال سن داشت، که به خدیجه ملحق شد و دومین همسر رسول خداست که در حیات او وفات کرد. بقیه همسران پیامبرﷺ بعد وفات آنحضرت دارفانی را وداع کردند، آنحضرت در جنازه او شرکت داشت و براو نماز خواند و در بقیع دفن اش نمود. (اولین همسر پیامبرﷺ بود که در بقیع دفن شد).

ام سلمه هند بنت ابی امامهؓ

ام المومنین ام سلمه، دختر ابی امامه بن مغیره است و مادرش عاتکه بنت عامر، پدرش بخاطر سخاوت زیاد به لقب (زاد الراکب) مشهور بود همراهان خود را در سفر از زاد و توشه بی‌نیاز می کرد.

ام سلمه با شوهرش، ابی سلمه عبدالله بن عبدالاسد به حبشه هجرت کرد سپس با او به مکه بازگشت چون دشمنی قریش با مسلمانان به اوج رسید رسول خداﷺ

اصحاب خود را دستور داد به مدینه هجرت کنند، خانواده او مانع هجرت اش با شوهرش شدند، خانواده شوهر نیز فرزندش را از او گرفتند با این وصف ابوسلمه هجرت کرد، و آنها را تنها گذاشت او یک سال را به گریه گذراند، مردی از پسر عموهایش او را دید بر حال او دلش سوخت، به بنی مغیره گفت چرا به این مسکین اجازه نمی دهید هجرت کند؟ بین او و شوهرش فاصله انداختید و بین پدر و فرزند دوری افکندید، همواره به آنها گوشزد می کرد تا اینکه به ام سلمه گفتند می توانی نزد شوهرت بروی و فرزندش را (بنو عبدالاسد) به او تحویل دادند، شتر را سوار شد و فرزندش را در دامانش گذاشت و بسوی مدینه حرکت کرد، تنها بود در مسیر راه عثمان بن طلحه را ملاقات کرد و با آنها همراه شد تا به مدینه رسید و به ابوسلمه ملحق شد بدینگونه اولین مهاجر زن بود که

وارد مدینه شد، کما اینکـه شـوهرش ابوسـلمه اول مهـاجر بسوی مدینه بود.

در مدینه ام سلمه به تربیت فرزندان خود (سلمه، عمـر، زینب، درّه) همت گماشت، شوهرش با رسول خداﷺ در بدر و احد شرکت داشت و بعلت جراحتی که در احـد بـه او رسید، شهید شد.

بعد از عدت، ابوبکر و سـپس عمـر از او خواستگاری کردند آنها را رد کرد، آنحضرت شخصی را فرستاد و از او خواستگاری کرد، ام سلمه گفت: مرحبا بر رسول خدا، ولی من زن باحیا و غیرتی هستم و دارای فرزند می باشم و اولیـای مـن حاضـر نیـستند، آنحـضرتﷺ پـس از قبـول کفالت فرزندان او را ازدواج کرد.

ام سلمه بزرگترین همسران پیامبرﷺ بود، از کسانی که صلح حدیبیه، فتح خیبر، فتح مکه را شاهد بود و در حصار طائف و غزوه هوازن و ثقیـف در معیّـت پیـامبر ﷺ بـود،

همچنین در حجة الوداع با رسول خداﷺ همراه بود و از رسول خدا ۳۸۷ حدیث روایت کرده است، آخرین همسر رسول خداﷺ بود که در ماه ذیقعده سال ۵۹ هجری در حالیکه بیش از هشتاد سال سن داشت وفات کرد.

زینب بنت جحش رضی الله عنها

او دختر عمه رسول خداﷺ بود، آنحضرتﷺ زید بن حارثه را برای همسری او برگزید، گفت من او را برای خودم نمی پذیرم، آنحضرتﷺ فرمود: «من دوست دارم با او ازدواج کنی»، این آیه نازل شد: «و ما کان لمومن و لامومنة اذا قضی الله و رسوله امراً ان یکون لهم الخیرة من امرهم» زینب امر رسول خداﷺ را با جان و دل پذیرفت، با زید ازدواج کرد و نزدیک به یکسال بیشتر با زید زندگی کرد، سپس بین آنها اختلاف افتاد، زید پیش رسول خداﷺ رفت و از همسرش شکایت کرد و

اجازه خواست او را طلاق دهد رسول خدا او را نصیحت کرد و به صبر دعوت داد و فرمود: « همسرت را نگه‌دار و از خدا بترس » (بخاری) ولی نتوانست با او زندگی خود را ادامه دهد، او را طلاق داد، سپس خداوند رسول خدا را امر کرد تا با او ازدواج کند « فلما قضی زید منها و طرا زوجنا کها » (احزاب/۳۷) بعد عدت، رسول خدا شخصی را برای خواستگاری فرستاد و آیه را بر او تلاوت کرد، زینب فوق العاده خوشحال شد و سجده شکرد کرد و دو ماه روزه نذر نمود. با رسول خدا در کمال دوستی و ایمان زندگی کرد، او به رقت قلب و عطوفت بر مساکین مشهور است او در دباغی پوست مهارت داشت از این راه کار می کرد و آنچه عاید می شد خرج مساکین می کرد، او اولین کسی بود که بعد رسول خدا ﷺ در سال ۲۰ هجری وفات کرد.

جویریه بنت حارث رضی الله عنها

او جوار خدا و رسول را اختیار کرد، و اسلام را بر یهودیت ترجیح داد، روایت شده که او در اسارت مسلمانان درآمد پدرش حارث بن ابی ضرار بزرگ قوم (بنی مصطلق) به نزد رسول خدا ﷺ آمد و آزادی دخترش را تقاضا کرد، آنحضرت ﷺ فرمود: چطور است که اختیار را به خود جویریه بدهیم؟ پدرش قبول کرد، نزد دخترش آمد و گفت این مرد تو را مختار قرار داده که با من بیایی یا با او بمانی، آبروی مرا حفاظت کن و با من بیا، گفت: من رسول خدا را انتخاب کردم، گفت: بخدا ما را رسوا کردی؟ روز بعد پدرش با چند شتر جهت فدیه دخترش بسوی مدینه حرکت کرد چون به وادی عقیق رسید به شترها نگاه کرد در دو شتر رغبت پیدا کرد آن دو را در دره ای مخفی کرد و نزد رسول خدا ﷺ آمد و

گفت: ای محمد این شتران را بعنوان فدیه برای دخترم آوردم تا او را آزاد کنید. آنحضرت فرمود: پس آن دو شتری که در دره عقیق در فلان محل مخفی کردی را چرا با خودت نیاوردی، حارث تعجب کرد و گفت: بخدا کسی جز او از این ماجرا مطلع نبود، گفت: اشهد ان لا اله الا الله و اشهد انک رسول الله مسلمان شد و دو فرزند او نیز مسلمان شدند و بعد بسیاری از قبیله او نیز اسلام را قبول کردند، آنحضرت با جویریه در حالی که ۲۰ سال سن داشت ازدواج کرد، جویریه به کثرت عبادت و قنوت مشهور است. از صبح تا چاشت بطور مرتب به تسبیح و ذکر خدا مشغول بود، این برنامه او بود، تا اینکه در سال ۵۶ هجری در سن هفتاد سالگی وفات کرد.

سرشناسنامه : محمد جمالزهی

عنوان : امهات المومنین

مشخصات ظاهری:۲۶ ص- جیبی

شابک: ۲-۴۵-۶۴۹۲-۶۰۰-۹۷۸

موضوع: زنان مقدس اسلام

رده بندی کنگره:۱۳۹۱ ۸الف۸ج /۲۶ bp

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷

شماره کتاب شناسی ملی: ۲۷۴۴۶۲۹

نام کتاب : امهات المومنین

تالیف: محمدجمالزهی

ناشر : نگین کویر

تیراژ: ۳۰۰۰

قطع: جیبی

تاریخ انتشار : اول ۱۳۹۱

چاپ: نیکو

شابک: ۲-۴۵-۶۴۹۲-۶۰۰-۹۷۸

صفیه بنت حیی ﵂

خداوند مسلمانان را بر یهود در خیبر پیروز کرد، او یکی از این اسراء بود آنحضرت ﷺ به او فرمود: پدرت سرسخت ترین یهودی دشمن من بود، خداوند او را کشت، اگر مسلمان شوی تو را نزد خودم نگه می دارم، اگر یهودیت را قبول داری تو را آزاد می کنم تا به قوم خود ملحق شوی؟ گفت: یا رسول الله، خداوند در کتاب خود فرموده است « ولا تزر وارزة وزر اخری » من اسلام را قبول کردم و قبل از دعوت تو، صداقت تو را دریافتم، در یهودیت مرا سهمی نیست نه پدری، نه برادری، مرا بین کفر و اسلام مختار کردی خدا و رسول را به آزادی و بر گشت بسوی قوم خود ترجیح می دهم، او را ازدواج کرد، و این هنگام ۱۷ سال سن داشت.

حضرت صفیه می فرماید: روزی رسول خدا نزدم آمد قول عائشه و حفصه را به من رسیده بود که آنها گفته بودند ما نزد رسول خدا از او برتریم، همسر و دختر عموهایش هستیم، رسول خدا فرمود: چرا نگفتی چگونه از من بهترند در حالیکه محمد ﷺ شوهر من است و جدم هارون و عمویم موسی است. (ترمذی)

او سخی و بزرگوار بود، برای سیده فاطمه و برخی دیگر از امهات المومنین هدایایی از حلقات طلا فرستاد، در رمضان سال ۵۰ هجری وفات کرد و در بقیع دفن شد.

ام حبیبه رمله بنت ابی سفیان رضی الله عنها

همسر عبیدالله بن جحش بود، اسلام آورد و با او به سوی حبشه هجرت کرد، در آنجا دخترش حبیبه متولد شد که با این دختر کنیه او مشهور است (ام حبیبه).

در حبشه همسرش مرتد و نصرانی شد، بـرای بر گـشت او تلاش کردند ولی موفق نشدند و عبیدالله نیز تلاش کرد همسرش را به دین نـصرانی بگردانـد، ولـی او نپـذیرفت و دین و عقیده خود را حفاظت کـرد، چـون رسـول خـدا از این حال او خبر شد، به سوی نجاشی کسی را فرستاد تا او را خواسـتگاری کنـد، موافقـت کـرد، خالـد بـن سـعید را وکیل او در امر ازدواج انتخاب شد، مهریه او که ۴۰۰دینار بود نجاشی پرداخت کرد، او را با جهیزیه و طلا به خدمت رسول خداﷺ فرستاد، در مدینه ازدواج صورت گرفت.

پدرش روزی به ملاقات او رفت، فرش را از زیـر پـای او جمع کرد، ابوسفیان گفت: دخترم من لایق فرش نبـودم یا فرش لایق من نبود، گفت: این فرش رسـول خداسـت و تو مشرک و نجس هستی، دوست ندارم بـر فـرش رسـول خدا بنشینی، او در سال ۴۴ هجری وفات کـرد ۶۵ حـدیث از رسول خداﷺ روایت کرده است.

میمونه بنت حارث ﷺ

او یکی از خواهران چهارگانه ای است که رسول خداﷺ آنها را بعنوان « اخوات المومنات » نامگذاری کرد، آنها عبارتند از: (ام فضل، اسماء بنت عمیس، سلمی بنت عمیس، میمونه بنت حارث) مادرشان هند بنت عوف بهترین دامادها را داشت، آنحضرت دو دختر او را زینب بنت خزیمه و میمونه بنت حارث را ازدواج کرده بود.

حضرت میمونه دو مرتبه قبل از رسول خداﷺ ازدواج کرده بود و نام او « بره » بود، آنحضرتﷺ او را به « میمونه » نامگذاری کرد، زیرا او را در روز مبارکی ازدواج نمود، (روز عمرة القضاء سال هفتم هجری) در این هنگام سن او ۲۶ سال بود، او آخرین همسر رسول خداﷺ بود که به ازدواج او درآمد و روایت شده او کسی بود که نفس خود را به رسول خداﷺ هبه کرد و

خداوند این آیه را نازل کرد: « و امراة مومنـه ان وهبـت نفسها للنبی ان اراد النبی ان یستنکحها خالـصه لـک مـن دون المومنین » (احزاب/۵۰)

میمونه با رسول خداﷺ در صفا زندگی می کرد و بـه عبـادت و زهـد شـهرت یافـت، عایـشه رضی الله عنها دربـاره او می گوید: او از همه ما باتقواتر و بـا خویـشاوندان بـا صـله رحم‌تر است. در راه خدا جهاد کـرد و در معرکـه تبـوک شـرکت داشـت تیـری بـه او برخـورد کـرد امـا خـدا او را حفاظـت کـرد. در سـال ۶۳ هجـری در ۸۱ سـالگی کنـار درختی که با پیامبرﷺ ازدواج کرده بود، وفات کرد.

ماریه بنت شمعون رضی الله عنها

در روستایی بنام « حفن » شرق نیـل در سـرزمین مـصر بدنیا آمد دوران طفولیت را آنجا گذراند، چون به جـوانی رسید با خواهرش به قصر مقوقس در اسکندیه منتقـل شـد

بعد صلح حدیبیه پیامبر نامه ای با حاطب بن ابی بلتعه برای مقوقس فرستاد و او را به اسلام دعوت داد، پادشاه به خوبی از فرستاده پیامبر استقبال کرد و ماریه و خواهرش سیرین را بعنوان هدیه به خدمت رسول خداﷺ فرستاد، حاطب ماریه را به اسلام دعوت داد و او قبول کرد، هنگام ورود به مدینه نزد ام سلیم رفتند، سیرین به حسان بن ثابت رسید و ماریه را آنحضرتﷺ نزد خود نگه داشت و بعد تقریباً یکسال بعد ماریه فرزند پیامبرﷺ را به دنیا آورد، می گویند: پیامبرﷺ او را آزاد و بعد ازدواج کرد، پس از وفات پیامبر او چندان عمری نکرد و در سال ۱۶ هجری وفات و در بقیع به جانب امهات المومنین دفن شد.

بسم الله الرحمن الرحیم

امهات المومنین، همان زنان طاهری که شرف ازدواج با رسول اکرمﷺ را یافتند و با او زندگی کردند و از اخلاق کریمه و صفات حمیده او آموختند.

آنها مشقات و سختی های زیادی در راه دعوت اسلامی تحمل کردند و پا به پای آنحضرتﷺ مجاهده کردند، سختی زندگی را با اوتجربه کردند، گرسنگی، رنج های زندگی را بخاطر محبت و دوستی خدا به جان خریدند، بدین گونه از بهترین مددکاران نبی گرامی در نشر دین خدا گشتند.

بیاید تا قدری از زندگی و جایگاه آنها نزد پروردگار و رسولش آگاه شویم باشد که زنان مسلمان در زندگی به آنها تاسی جویند تا در دنیا و آخرت خوشبخت شوند.

خدیجه بنت خویلد رضي الله عنها

آنحضرتﷺ از خانه بیرون نمی رفت تا نام نیک او را یاد نمی کرد، در جاهلیت با القاب طاهره یاد می شد، آن بخاطر پاکی باطن و سیرتش بود، اهل مکه او را با صفت سیده زنان قریش می شناختند. او شریف، دارای مال زیاد، اندیشه و فکر بود از تجار مشهور بود، او پیامبرﷺ را برگزید تا قوام گیرد.

اینگونه که خودش اظهار می کند، آنچه مرا در میان همه خواستگاران اهل مکه بسوی تو جذب کرد صداقت کلام، امانتداری و اخلاق نیک تو بود.

حضرت خدیجه چون به صداقت و امانت داری و برخورد خوب آنحضرتﷺ با مردم آگاه شد، بر ازدواج با وی رغبت پیدا کرد، کسی را فرستاد تا مسئله ازدواج

خود را با او در میان بگذارد. نبی اکرمﷺ که به شرافت و شایستگی و طهارت قلب او واقف بود تعلل نکرد.

آری! محمد امینﷺ در سن بیست و پنج سالگی با خدیجه طاهره در سن چهل سالگی ازدواج کرد، همه فرزندان، بجز ابراهیم از حضرت خدیجه متولد شدند که زینب و رقیه، و ام کلثوم، و فاطمه زهرا و قاسم و عبدالله فرزندان گرامی او هستند.

حضرت خدیجه ضرب المثل در وفا و فرمانبرداری شوهرش بود که برای خشنودی شوهرش کوشش می کرد، وقتی محبت رسول خدا به خادمش، زید بن حارثه را دید او را به وی بخشید، هنگام نزول وحی اولین زنی بود که به پیامبرﷺ ایمان آورد، وقتی پیامبرﷺ همراه مسلمانان به شعب ابیطالب تبعید و در محاصره کفار قرار گرفتند، خدیجه نیز با آنها همراه گردید و طعم گرسنگی و تحریم را چشید در حالیکه از ثروتمندان بود. بعد از او نیز در

کنار آنحضرت ﷺ قرار گرفت که با جان و مال در خدمت او جانفشانی کرد، بهترین یار و یاور آنحضرت ﷺ بود از اولین روزهای سخت دعوت دژ محکمی برای آنحضرت ﷺ در دعوت او بود، و تعجبی ندارد چون جبریل بر رسول اکرم ﷺ نازل می شود می فرماید: « یا رسول الله، خدیجه با کاسه ای طعام و نوشیدنی به نزد تو می آید، از جانب پرورگار به او سلام برسان، همچنین سلام مرا به او برسان و او را به منزلی در بهشت از قصب (نی از جنس لؤلؤ) که هیاهو و رنجی در آن نیست بشارت ده » (متفق علیه) آنحضرت ﷺ فرمود: « بسیاری از مردان به درجه کمال رسیدند، و از زنانی کسی به جزء مریم بنت عمران، آسیه همسر فرعون و خدیجه بنت خویلد به کمال نرسیدند » (متفق علیه)

در ماه رمضان، سه سال قبل از هجرت، سیده خدیجه وفات کرد، در همین سال ابوطالب نیز وفات کرد که این

سال به عام الحزن مشهور است، رسول اکرمﷺ شخصا در قبر وی پایین آمد، وفات او قبل از مشروعیت نماز جنازه بود.

سوده بنت زمعهؓ

او اسلام آورد و بخاطر حفظ دین خود همراه شوهرش (سکران بن عمرو) به حبشه هجرت کرد، بعد برگشت به مکه شوهرش وفات کرد، سوده بی‌یار و یاور ماند، پدر و برادرش عبدالله بن زمعه، هنوز مسلمان نشده بودند. چون رسول خداﷺ از این مصائب حضرت سوده اطلاع یافت و بی‌مهری خانواده اش را نسبت به او دید خواست بر او ترحم کند، و اسلام آوردن او را به بهترین وجه پاداش دهد، خوله بنت حکیم را برای خواستگاری او فرستاد، سیده خدیجه وفات کرده بود و او همسر دیگری نداشت، حضرت سوده با این خواستگاری موافقت کرد و ازدواج

صورت گرفت در این هنگام سن او ۵۵ سال و رسول خدا ﷺ ۵۰ ساله بود. او در خدمت کردن به رسول خدا ﷺ ضرب المثل بود، همواره برای فرزندان حضرت خدیجه، (ام کلثوم و فاطمه) خدمت می کرد، سپس با رسول خدا ﷺ به مدینه هجرت کرد.

حضرت عائشه همواره عبادت و خوبی اخلاق او غبطه می‌خورد و می گفت:

اینگونه ماند تا اینکه اواخر خلافت حضرت عمر وفات کرد، بر او نماز خواندند و در بقیع دفن شد.

عائشه بنت ابی‌بکر رضي الله عنهما

وقتی عمر بن عاص از رسول خدا ﷺ سوال کرد محبوب‌ترین مردم نزد شما کیست؟ فرمود: عائشه. (متفق علیه)

وقتی ام المومنین ام سلمه خواست در موضوعی از عائشه نزد رسول خدا ﷺ اعتراض کند، آنحضرت ﷺ

فرمود: « مرا در مورد عائشه ملامت نکنید، بخدا سوگند با هیچ زنی از شماها زیر لحاف برایم وحی نازل نشده مگر با عائشه که زیر یک لحاف بودم » (متفق علیه)

سیده عائشه هشت سال قبل از هجرت متولد شد در خانواده ای متدین، پدرش ابوبکر صدیق از یاران رسول خدا ﷺ بود، و مادرش ام رومان بنت عامر از اشراف قریش بود.

وقتی مسلمانان در مدینه استقرار یافتند، عایشه همراه برادرش، عبدالله بطرف رسول خدا هجرت کرد، و در آنجا در ازدواج نبی اکرم ﷺ قرار گرفت.

منافقین در ماجرای افک او را به فحشا اتهام زدند، ولی خداوند پاکی و برائت او را در قرآن بیان کرد، عائشه با رسول خدا در فضای ایمانی زیست، و او از منبع علوم نبوی علم وافر و گسترده را فرا گرفت و از بزرگترین فقها و محدثین قرار گرفت، از او بیشتر از دو هزار حدیث